

خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی

## محکومیت تروریسم سران جمهوری اسلامی در دادگاه میکونوس

پنجشنبه ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ / ۲۱ فروردین ۱۳۷۵، هیئت رئیسه و قضات دادگاه برلین معروف به دادگاه میکونوس که به پرونده ترور صادق شرفکندی رهبر حزب دموکرات کردستان ایران، همایون اردلان، فتاح عبدلی و حسین نوری دهکردی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ رسیدگی می کرد، رأی نهایی خود را صادر کردند و با این اعلام رأی این دادگاه طولانی و بیسابقه به کار خود خاتمه داد. این اولین بار در تاریخ است که رهبران حکومت یک کشور، در دادگاهی در کشور دیگر، رسماً به عنوان آمران و عاملان قتل و جنایت شناخته می شوند. در این جلسه تأکید شد که فرمان قتل از طرف بالاترین رهبران سیاسی و مذهبی حکومت ایران صادر شده است و سپس آرای محکومیت هر یک از متهمین قرائت شد.

ساعتها پیش از شروع جلسه اعلام رأی، اطراف ساختمان دادگاه مملو از گروهها و افراد مخالف حکومت ایران بود که برای محکوم کردن تروریسم دولتی ایران و حمایت از استقلال قوه قضائیه آلمان در آنجا گرد آمده بودند.

حدود دو ساعت پیش از اعلام رأی نهایی دادگاه، تماشاگران اجازه یافتند وارد سالن دادگاه بشوند. بازرسی تماشاگران از همیشه دقیقتر بود. در سالن دادگاه برای هفتاد خبرنگار جا در نظر گرفته شده بود اما به دلیل تقاضای خبرنگاران و روزنامه نگارانی که از سراسر جهان جلوی دادگاه ازدحام کرده بودند با ورود همه آنها موافقت شد. در آغاز جلسه رئیس دادگاه از حاضران خواست که از هرگونه ابراز احساسات خودداری شود و بعد با اعلام رسمیت جلسه از همه خواست به پا برخیزند. سپس رأی دادگاه اعلام شد: - متهمان کاظم دارابی (ایرانی) و عباس رایل (لبنانی) به حبس ابد محکوم شده اند. سنگینی ویژه جرم برای این دو متهم در نظر گرفته شده است.

- متهم یوسف امین به ۱۱ سال و متهم محمد اتریس به ۵ سال و سه ماه حبس محکوم شده اند.

- متهم عطاء الله ایاد آزاد می شود.

بعد از اعلام رأی همه حاضران نشستند و رئیس دادگاه ادامه داد:

«این که در مطبوعات اعلام شود که ایران بر صندلی اتهام قرار دارد، درست نیست. اینجا یک دادگاه قضایی با پنج متهم است. ولی سیر دادگاه به گونه ای بوده است که ما نمی توانیم بدون در نظر گرفتن انگیزه متهمان برای این قتل و نیز بدون مشخص کردن برنامه ریزان آن، حتی احکام خود را در مورد متهمان صادر کنیم. در نظر گرفتن این مسایل ما را به تروریسم دولتی کشاند. طرح این مسئله تقصیر ما نیست، مقصر کسانی هستند که این جنایت را برنامه ریزی کردند.

بقیه در صفحه ۲

## تقویت شبکه های تروریستی و جاسوسی

به نوشته روزنامه دیلی تلگراف لندن، چهارم مه ۹۷، به دنبال تیرگی روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی، رژیم تهران تصمیم گرفته است شبکه های تروریستی و اطلاعاتی خود را در اروپا تقویت کند تا با ازعاب کشورهای غربی از مجازاتهای شدید احتمالی خود توسط این کشورها جلوگیری کند.

دیلی تلگراف می نویسد که به همین منظور در مأمور وزارت اطلاعات، یکی در پوشش وابسته اقتصادی و دیگری در پوشش دانشجویی، در اواخر ماه آوریل وارد انگلستان شدند. مأمورانی نیز به آلمان، بلژیک، ایتالیا، فرانسه، قبرس و حتی آمریکا و روسیه اعزام شده اند.

این روزنامه می افزاید: این اقدام در پی تصمیم «شورای امنیت ملی» جمهوری اسلامی به عمل آمده است که اخیراً در هفته نامه «ساندی تلگراف» فاش شد. براساس این سند، شورای امنیت ملی به ریاست هاشمی رفسنجانی تصمیم گرفته است با تجهیز و توسعه شبکه های تروریستی و برگزاری تظاهرات و نظایر آن، عملیاتی ازرعابی در سراسر اروپا به عمل آورد.

(کیهان لندن، ۸ مه ۱۸/۹۷ اردیبهشت ۷۶)

## فصلنامه «زنده رود» توقیف شد

به موجب اطلاعیه ای که کانون فرهنگی - هنری پرویا، در ماه فروردین ۱۳۷۶ در پاریس منتشر کرد، زنده رود فصلنامه ادبی، تاریخی و فرهنگی، به مدیریت حسام الدین نبوی نژاد، توقیف شد.

این فصلنامه به همت زنده یاد احمد میرعلایی و حسام الدین نبوی نژاد و هوشنگ گلشیری در اصفهان شروع به انتشار کرده بود و تا تاریخ توقیف ۱۵ شماره از آن منتشر شده بود.

## قتل ابراهیم زال زاده

در اواسط فروردین ۷۶ جسد ابراهیم زال زاده، مدیر مجله معیار و مسئول انتشاراتی ابتکار، در یکی از خیابانهای تهران پیدا شد. ابراهیم زال زاده، که با ضربات چاقو به قتل رسیده است، روز سوم اسفند گذشته به قصد خرید کل از خانه بیرون می رود و برنمی گردد. خانواده زال زاده در جستجوی او به همه مراجع مربوطه رجوع می کنند و نتیجه ای نمی گیرند. مقامات امنیتی به آنها گفته بودند اگر زال زاده را زنده می خواهند «سر و صدایی در این مورد بر پا نکنند». پنج روز پس از مفقود شدن او، اتوبیلس در یکی از خیابانهای تهران پیدا می شود در حالی که کارت خبرنگاری اش نیز در بین گلهای خشک شده روی

صندل عقب اتوبیلس گذاشته شده بود. کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ای در اول آوریل ۹۷ خبر قتل ابراهیم زال زاده را به رسانه های فرانسوی اطلاع داد. سازمان فرانسوی «خبرنگاران بدون مرز» نیز در اطلاعیه ای به تاریخ پنجم آوریل ۹۷ خبر قتل این نویسنده و روزنامه نگار را منتشر کرد و مسببین آن را «مقامات امنیتی ایران» معرفی کرد.

## باز هم دو فهرست کشورهای حامی تروریسم

بنا به خبر مندرج در روزنامه کیهان (لندن)، پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۷۶ / ۸ مه ۹۷، وزارت امورخارجة آمریکا، فهرست سیاه رژیمهای حامی تروریسم در سال ۱۹۹۶ را منتشر کرد. در این فهرست همانند سالهای گذشته، نام دولت جمهوری اسلامی ایران به چشم می خورد.

بنا بر خبر این روزنامه، کشورهایی که نامشان در این فهرست قرار می گیرد از کمکهای مالی آمریکا و بسیاری از کمکهای دیگر بین المللی محروم می شوند.

## بورسی مجدد پرونده ترور قاسملو

به دنبال اعلام رأی نهایی دادگاه میکونوس و تأکید بر نقش مستقیم سران جمهوری اسلامی در قتل دکتر قاسملو رهبر حزب دموکرات کردستان ایران، بار دیگر پرونده ترور عبدالرحمن قاسملو، عبدالله قادری آذر و فاضل رسول (کرد عراقی) در وین (۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹) به مسئله روز در مطبوعات اتریش تبدیل شد. حزب سبزها و نیز لیبرالها، خواستار تشکیل کمیسیون پارلمانی برای روشن کردن چگونگی فراری دادن قاتلان از اتریش شدند. حزب دست راستی «آزادی» نیز از این پیشنهاد حمایت کرد اما با رأی منفی دو حزب مؤتلف؛ حزب سوسیال دموکراتها و حزب مردم، تشکیل کمیسیون پارلمانی رد شد. دولت اعلام کرد تا زمانی که مسئله از طرف وزارت دادگستری تعقیب می شود و هنوز نقش سیاست دولت در این مسئله روشن نیست، تشکیل کمیسیون پارلمانی نیز ضرورتی ندارد.

از طرف دیگر، وزارت کشور اتریش اعلام کرد که همزمان با پیگیری از طرف وزارت دادگستری، یکبار دیگر بررسی این پرونده را از سر گرفته است و اکنون در پرتو تحقیقات دادگاه میکونوس، می خواهد اتهامات این پرونده را روشن کند.

در این میان حزب سبزها دست به افشاگریهای متعددی زده است تا احزاب بقیه در صفحه ۲

سابقه این ترور برمی گردد به مسایل داخلی ایران، به زمان به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران و تقاضای کردها برای خودمختاری. این تقاضا کردها را در برابر رهبران سیاسی ایران قرار داد و آنها تحت پیگرد قرار گرفتند. به خارج از کشور آمدند و فعالیتهای سیاسی - تبلیغاتی خود را ادامه دادند. باز هم در معرض تعقیب و مراقبت نیروهای امنیتی - اطلاعاتی ایران قرار گرفتند؛ همانطور که وزیر اطلاعات ایران، فلاحیان، در ۳۰ اوت ۹۲، این مسئله را در مصاحبه مطبوعاتی خود اعلام کرد.

مقامات سیاسی ایران برای این که این خواستها و اعتراض کردها را خاموش کنند، تصمیم گرفتند نه تنها با رهبران سیاسی کردها مبارزه سیاسی بکنند بلکه آنها را به طور فیزیکی نیز از بین ببرند. ترور قاسملو در وین و ترور برلین نتیجه این تصمیمات است. رشته‌ای که ترورهای برلین و وین را به هم وصل می‌کند قابل چشمپوشی نیست.

این ادعا که این ترور نتیجه اختلافات درونی کردهاست کاملاً مردود است. مراحل دادرسی این امکان را به ما داد که به چگونگی تصمیم گیری مقامات برجسته ایرانی نظری بیندازیم. نهایت این تصمیم گیریها نابودی فیزیکی مخالفان سیاسی است. تصمیم گیری در اینگونه موارد در حوزه کار «کمیته عملیات ویژه» است که در قانون اساسی ایران ذکری از آن نشده است. در این کمیته علاوه بر رئیس جمهور ایران، وزیر امور خارجه، نمایندگان دستگاههای امنیتی و «رهبر مذهبی» ایران نیز حضور دارند. این «رهبر مذهبی» رهبر عقیدتی تمام مسلمانان نیست، این «رهبر مذهبی» که «رهبر انقلاب» نیز نامیده می‌شود، بعد از انقلاب ۱۹۷۹ به وجود آمده است و در انحصار یک مقام بلند پایه مذهبی است. هنگامی که هدف عملیاتی از بین بردن فردی باشد، بایستی این تصمیم توسط «رهبر مذهبی» تأیید شود که این تأیید نوعی تأیید مذهبی قتل نیز می‌باشد.

«کمیته عملیات ویژه» انجام مأموریت را به یک عضو این کمیته محول می‌کند که هم با توجه به امکاناتش از همه مناسب تر باشد و هم با هدف این عملیات مربوط باشد. این عضو یک نفر را به عنوان رئیس تیم اجرایی عملیات انتخاب می‌کند. این رئیس تیم که شخصاً اعضای گروه خود را انتخاب می‌کند خودش هم بایستی دارای قابلیت‌های رزمی و جنگی باشد. طرح قتل دکتر شرفکنندی و همراهان نیز با این نوع تصمیم گیری و برنامه ریزی طراحی و اجرا شده است.

پس از این که گزارش امور توسط علی فلاحیان به «کمیته عملیات ویژه» داده شد و این کمیته تصمیم به از بین بردن دکتر شرفکنندی را اتخاذ کرد، شخص فلاحیان برای طراحی و اجرای عملیات انتخاب شد. او در وزارتخانه اش «شورای عملیات ویژه» تشکیل داد و عملیات با نام رمز «فریاد بزرگ علوی» شروع شد.

اواخر ژوئن/ اوایل ژوئیه ۹۲ بنا به تصمیم این «شورا» اصغر ارشد و کحالی به آلمان می‌آیند. این دو وابسته به یک شرکت پوششی اوآوک بودند و وظیفه داشتند نقشه کل عملیات را طرح ریزی کنند و آن را به فلاحیان گزارش بدهند. آنها، برای اجرای نقشه ترور کاظم دارابی را که یک مأمور سازمان امنیت ایران است به خدمت گرفتند. و او تیمی از افراد نزدیک به خودش در حزب الله لبنان را انتخاب کرد. در ایران رهبری تیم عملیات به عبدالرحمن بنی هاشمی محول شد. «تیم ضربت» حدود هفتم سپتامبر به برلین آمد تا با دارابی و دیگران طرح نهایی را آماده کنند. آنها،

یکی از افراد، ایاد، را کنار می‌گذارند و از طریق یک جاسوس سازمان امنیت ایران که در رابطه بلاواسطه با رهبری حزب دموکرات قرار داشته است از محل تجمع و چگونگی آن اطلاع پیدا می‌کنند و در ۱۷ سپتامبر ۹۲ چهار نفر را به قتل می‌رسانند و یک نفر را زخمی می‌کنند.

متهم دارابی برای این کار عباس رایل، یوسف امین، علی صبر را در اختیار بنی هاشمی می‌گذارد. دارابی و رایل با تمامی وجود خود را در اختیار اهداف جنایتکارانه رژیم ایران قرار دادند و با وجود امکان تصمیم گیری برای رد همکاری، این نقشه را کاملاً پذیرفتند و همین جرم آنها را سنگین تر می‌کند.

رئیس دادگاه در پایان اضافه کرد: متهمان یک هفته وقت دارند که به تصمیم دادگاه اعتراض کنند و پس از دریافت حکم کتبی، یک ماه فرصت دارند که تقاضای تجدید نظر خود را به دادگاه عالی فدرال ارائه کنند.

بلافاصله پس از اعلام رأی دادگاه، گروههایی از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی که همچنان در مقابل ساختمان دادگاه متمرکز بودند، به مقابل کنسولگری ایران در برلین رفتند و خواهان بسته شدن این مراکز ترور شدند.

#### بقیه بررسی مجدد ...

دولتی در پارلمان را وادار به پذیرش کمیسیون پارلمانی کند تا مسئولیت دولت اتریش در تسلیم به خواست ایران، در مورد آزاد کردن قاتلان دکتر قاسملو، روشن شود. از جمله سندی را منتشر کرده که روز ۱۶ ژوئیه، یعنی سه روز بعد از قتل قاسملو صادر شده و حاوی خواست صدور حکم بازداشت محمد جعفر صحراوردی است که آن موقع هنوز در بیمارستان بود (صحراوردی در جریان ترور دکتر قاسملو، مجروح شد)، این مطلب از طرف دادستانی نادیده گرفته شده و تنها چندماه پس از این که صحراوردی، ده روز بعد از انجام ترور، با اسکورت پلیس به فرودگاه برده شده و روانه ایران شد، یک حکم بازداشت بین المللی علیه او و امیرمنصور بزرگیان صادر شد. این امر، استدلال تاکتونی دولت اتریش را، که «آنها خیلی دیر متوجه شده‌اند که صحراوردی نه قربانی، بلکه خود ترورکننده بوده است»، مردود می‌کند. همچنین، برخلاف ادعای وزیرخارجه اتریش که همواره تأکید می‌کرد هیچ فشاری از طرف دولت ایران به دولت اتریش وارد نیامده، یکی از کارمندان عالی رتبه وزارتخارجه، که اکنون بازتست شده است اعلام داشته است که سفارت ایران در وین، تهدید کرده بود که بازداشت این افراد می‌تواند برای اتریشیهای مقیم ایران خطرناک باشد. همچنین فاش شده که در جلسه‌ای که برای تصمیم گیری در مورد بازداشت صحراوردی و بزرگیان در همان روزهای نخست در دادستانی اتریش تشکیل شده بود، علاوه بر رئیس پلیس و دادستان، دبیرکل وزارتخارجه اتریش؛ رئیس جمهور فعلی اتریش، نیز حضور داشته‌اند. این امر صحت ادعای دولت اتریش مبنی بر عدم دخالت وزارتخارجه در این قضیه را نیز منتفی می‌سازد. به علاوه، روزنامه‌های اتریشی کوریر و استاندارد، اسنادی را منتشر ساخته‌اند که نشان می‌دهد وزارتخارجه اتریش، برای رها کردن قاتلان قاسملو بر دستگاه قضایی فشار آورده است. پیتربیدا، قاضی مسئول این پرونده در آن زمان، در یادداشتی که در ژوئیه ۸۹ در پرونده گذاشته نوشته است که آنتون شولز رئیس پلیس کشور، از وی خواسته است علیه مظنونین اقدامی نکند. این قاضی به روزنامه استاندارد گفته است که «در اتریش امکان فشار وارد آوردن روی قاضی نیست، ولی شیوه‌های

دیگری برای رسیدن به هدف وجود دارد، مثلاً پلیس می‌تواند اطلاعات غلط بدهد و من می‌توانم تأکید کنم که این مسئله در مورد این پرونده اتفاق افتاده است.»

به دنبال روشن شدن این قضایا، حزب سبزها، رسماً از رئیس جمهور خواسته است به چند سؤال پاسخ بدهد از جمله اینکه به چه دلیل، بدون هیچ مجوزی در چنین جلسه‌ای شرکت داشته است. رئیس جمهور تنها توانست بگوید که او منتظر نتیجه تحقیقات پلیس و دادگستری است.

حزب سبزها، علاوه بر انتشار اسناد و مصاحبه‌های مطبوعاتی، در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک با خانم قاسملو و آقای بنی صدر نیز شرکت کرد که در تمام مطبوعات منعکس شد.

خاتم قاسملو در این مصاحبه و در مصاحبه‌های رادیویی اجرای عدالت و تحقیق مجدد در چگونگی ماجرای ترور شوهرش را خواستار شد. مصاحبه‌های آقای بنی صدر نیز انعکاس گسترده‌ای پیدا کرد. وی ولترمدان اتریش را متهم به فساد ساخت و گفت که آزاد کردن قاتلان باج دادن به دولت ایران بوده است. در همین مصاحبه، حزب دموکرات کردستان ایران اطلاعیه‌ای را در اختیار نمایندگان رسانه‌های گروهی گذاشت، این اطلاعیه همچنین در پایان تظاهراتی که به دعوت این حزب در مقابل وزارت کشور اتریش برگزار شد، توزیع شد. در این اطلاعیه آمده است:

با توجه به حکم دادگاه میکونوس، ما از دولت اتریش می‌خواهیم:

با توجه به این که یک دادگاه اروپایی، سران دولتی ایران را به عنوان سردهسته تروریستها محکوم دانسته است، ما خواستار آن هستیم که دولت اتریش روابط خود را با ایران متوقف کند.

با توجه به روشنگرایی که دادگاه میکونوس، در مورد ترور سیاسی در وین نموده است، ما از وزیر کشور می‌خواهیم که تحقیقات در مورد ترور وین را دوباره از سر گیرد.

ما از وزیر دادگستری می‌خواهیم که پیگیری علیه متهمان به قتل، صحراوردی و بزرگیان را سرعت بخشیده و ارتباط مسئله با رژیم تهران را از طرف دادگستری وین مورد بررسی قرار دهد.

ما از دولت اتریش می‌خواهیم که اقدامات مشكوك پیرامون خروج دو متهم اصلی به مقصد ایران را روشن نماید.

ما انتظار داریم که مسئولیت دولت جمهوری اسلامی در این بررسی مجدد روشن شود.

این بیانیه و خواست مندرج در آن از طرف نیروهای سیاسی گوناگون ایرانی در اتریش، مورد حمایت قرار گرفت. از جمله: سازمان اتحاد فداییان خلق ایران - جمهوریخواهان ملی ایران - حزب دموکراتیک ملت ایران - حزب توده ایران - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت).

نشانی کمیته:

**C. I. C. R. E. T. E.**  
42, RUE MONGE  
75005 PARIS - FRANCE  
FAX 33 1 43 44 14 52

شماره حساب پستی برای کمکهای مالی:

**C. C. P.**  
3943263 W LA SOURCE FRANCE

اینترنت:

Homepage: [http://ourworld.compuserve.com/homepages/Iran\\_rep](http://ourworld.compuserve.com/homepages/Iran_rep)  
Email: [iran\\_rep@compuserve.com](mailto:iran_rep@compuserve.com)

کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای که در ۱۱ آوریل ۱۹۹۷، بعد از صدور حکم نهایی دادگاه برلین، معروف به دادگاه میکونوس صادر کرد، ضمن افشای مجدد سیاست‌های سرکوبگرانه دولت ایران، نوشت:

... صدور این حکم بیسابقه یک پیروزی بزرگ برای عموم نیروهای ترقیخواه و مخالف جمهوری اسلامی به‌شمار می‌آید چرا که برای اولین بار مجموعه هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، در یک دادگاه مستقل به عنوان طراحان قتل و به مثابه یک حکومت تروریست، آشکارا محکوم می‌گردند...

اکنون بر ما ایرانیان مقیم خارج از کشور است که با اتکاء به این رأی تاریخی تلاش خود را جهت بسیج افکار عمومی جهانیان برای فشار به دولت‌هایی که بی‌توجه به نقض ابتدایی‌ترین موارد حقوق بشر در ایران به مناسبات با دولت تروریست جمهوری اسلامی می‌پردازند متمرکز کنیم و در جهت هرچه منزوی‌تر کردن این حکومت در عرصه بین‌المللی بکوشیم.

این کوششها باید زمینه تشکیل یک دادگاه بین‌المللی علیه رژیم را فراهم آورد؛ دادگاهی که سران جمهوری اسلامی را به دلیل جنایات ضد بشری که طی ۱۸ سال گذشته در حق مردم ایران مرتکب شده‌اند از جمله برای دهها مورد اقدامات تروریستی که در خارج از کشور علیه جان مخالفان خود انجام داده‌اند به محاکمه بکشد...

### تأیید حکم دادگاه بدوی - جنایی پاریس

دادگاه تجدید نظر پاریس، روز جمعه ۵ اردیبهشت، رأی دادگاه بدوی - جنایی این شهر را در مورد دو جاسوس جمهوری اسلامی تأیید کرد. این دو مأمور به نامهای مجتبی مهدی؛ ۲۹ ساله، و حسین یزدان‌ستا؛ ۲۵ ساله، در ماه نوامبر ۹۶ به جرم همکاری به عوامل اطلاعاتی و دستگاههای امنیتی رژیم ایران و تسهیل قتل مخالفان از راه شناسایی و دادن اطلاعات در مورد مخالفان سیاسی دولت ایران به عاملان ترور، در فرانسه دستگیر و به ترتیب به ۷ سال و سه سال زندان محکوم شدند (خبرنامه، ۲۶-۲۷، نوامبر ۹۶). به علاوه این دو باید غرامتی معادل ده هزار فرانک فرانسه به سازمان فرانسوی «کمک به قربانیان ترور»، به عنوان شاکوی خصوصی این پرونده، بپردازند.

### سرکوب نفتگران اعتصابی

در پی اعتصاب و تظاهرات کارکنان پالایشگاه نفت تهران در بهمن ۷۵، تعداد کثیری از کارگران اعتصابی دستگیر شدند.

طبق اطلاعیه انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس، دو تن از کارگران دستگیرشده زیر شکنجه و فشارهای وارده به قتل رسیدند: هاشم کاملی ۵۲ ساله، که از ناراحتی قلبی رنج می‌برد زیر شکنجه جان سپرد و غلام بزرگ ۲۸ ساله زیر ضربات قنداق تفنگ پاسداران فوت کرد.

کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی خبر دستگیری کارگران اعتصابی و قتل دو نفر از آنها را طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۸ مارس ۹۷ به اطلاع رسانه‌های همگانی فرانسه رساند.

نویسنده و روزنامه‌نگار تبعیدی، اسلام کاظمیه، دوشنبه ۱۵ اردیبهشت/ ۵ مه ۹۷ در خانه‌اش در پاریس به زندگی خود پایان داد.

اسلام کاظمیه عضو هیئت مؤسسان کانون نویسندگان ایران و از مسئولان «شبهای شعر کانون» در سال ۱۳۵۶ بود و بعد از انقلاب سردبیری نشریه جنبش را به عهده داشت.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در اعلامیه خود به این مناسبت می‌نویسد: «اسلام کاظمیه در یادداشتی که از خود به جای گذاشته، ضمن اشاره به تألمات روحی خود، از سایه‌های هول جاسوسان جمهوری اسلامی در پیرامون خود به صراحت یاد می‌کند».

### اعدام هشت تن از مخالفان سیاسی و عقیدتی

سوم اسفند ۷۵، شش تن از مخالفان سیاسی رژیم ایران و دو نفر بهایی، که نامشان ذکر نشده است، در ایران به جوخته اعدام سپرده شدند. چهار تن از اعدام شدگان عضو سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بودند به اسمی: کیوان شاکری ۲۴ ساله، زندانی در سالهای ۶۹-۶۴ - مهرداد مقدم ۲۵ ساله، علیرضا مجدی ۲۶ ساله و فرهاد قائم ۲۷ ساله که هر سه نفرشان در سالهای ۶۲ تا ۶۸ زندانی بودند. دو تن دیگر از اعدام شدگان عضو سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بودند به نامهای: محمدرضا رستمی و حشمت خداداد که هر دو مدت پنج سال زندانی بودند.

### مسموم کردن ۶۰ نفر از اعضای حزب دموکرات

حزب دموکرات کردستان ایران روز ۱۶ فروردین ۷۶ / ۶ آوریل ۹۷ اعلام کرد که بیش از شصت نفر از نیروهای این حزب در کردستان، توسط مأموران جمهوری اسلامی با یک سم خطرناک مسموم شده‌اند و حال بسیاری از آنها وخیم گزارش شده است.

### بقیه از فرج سرکوهی ...

هانری لوکلر (رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر فرانسه)، پاتریک بودوان (رئیس فدراسیون جهانی حقوق بشر)، کریم لاهیجی (رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران)، ناصر پاکدامن (نماینده کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی) و فریده سرکوهی، در حضور جمع خبرنگاران مطبوعات و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، در مورد دستگیری فرج سرکوهی و همچنین اعتراض به نقض آشکار حقوق بشر در ایران سخنانی ایراد کردند. این کنفرانس که موفق شد از تعداد قابل توجهی از خبرنگاران دعوت به عمل آورد، انمکاس چشمگیری در جرایم و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی فرانسه و همچنین پاره‌ای از رسانه‌های خبری دیگر کشورها پیدا کرد.

۲۸ مارس ۹۷ نیز یک جلسه عمومی، برای توضیح چگونگی سرکوب آزادیخواهان و بویژه تشریح موقعیت و چگونگی دستگیری فرج سرکوهی، در محل خانه نویسندگان در پاریس تشکیل شد. این جلسه به ریاست برتراند من (دبیرکل جامعه حقوق بشر فرانسه)، پیر پاشه (از کمیته دفاع از سلمان رشدی در فرانسه)، پاتریک بودوان، کریم لاهیجی، ناصر پاکدامن و فریده سرکوهی برگزار شد.

سه شنبه ۲۹ آوریل، در زمان برگزاری اجلاس وزیران امورخارجه «اتحادیه اروپا»، تظاهرات گسترده‌ای از طرف نیروهای سیاسی مخالف رژیم ایران، در مقابل ساختمان این اجلاس در لوکزامبورگ صورت گرفت.

بیش از هزار نفر، از کشورهای مختلف اروپایی: فرانسه، آلمان، سوئیس، هلند و... به دعوت جریانات مختلف سیاسی، در این محل گرد آمده بودند تا اعتراض خود را نسبت به سیاستهای مداخلات جویانه دول اروپایی در برابر رژیم حاکم بر ایران، ابراز دارند. آنها ضمن اعتراض به روش جاری دولتهای عضو اتحادیه اروپا خواستار لغو کامل سیاست موسوم به «گفت و گوی انتقادی» و تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه سران تروریست جمهوری اسلامی ایران شدند.

در این روز، هیئتهایی از طرف گروههای مختلف تظاهرکننده با معاون ریاست اجلاس شورای وزیران دیدار کردند و ضمن توضیح مفصل موارد متعدد اقدامات تروریستی رژیم در داخل و خارج و موارد نقض حقوق بشر، قطعنامه تظاهرات، حاوی خواستههای حاضران را به اجلاس ارائه کردند.

در قطعنامه مزبور از جمله آمده است:

- هرگونه سیاست مداخلات طلبانه از جانب دول خارجی نسبت به رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم و از مردم ترقیخواه جهان و سازمانهای مدافع حقوق بشر می‌خواهیم در این امر با مردم ایران همراهی کنند.

- خواستار بازگشایی و بررسی مجدد پرونده ترورهای جمهوری اسلامی در تمامی کشورهای خارج هستیم.

- خواهان آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران و از جمله آزادی فوری فرج سرکوهی و لغو ممنوعیت خروج او از کشور می‌باشیم.

- خواستار تشکیل یک دادگاه بین‌المللی به منظور محاکمه سران تروریست جمهوری اسلامی ایران به عنوان جنایتکاران ضد بشر می‌باشیم.

خانم فریده زبرجد همسر فرج سرکوهی نیز که همراه هیئت نمایندگی تظاهرکنندگان بود نامه سرگشاده‌ای را به این اجلاس ارائه کرد که در بخشهایی از آن نوشته بود:

«همسر من فرج سرکوهی از سوم نوامبر ۱۹۹۶ تاکنون در دست سازمان امنیت ایران گرفتار است. محل اقامت وی برای من ناروشن است. او را دستگیر کرده‌اند تا دولت آلمان را در مسئله میکونوس زیر فشار قرار دهند. اکنون رأی این دادگاه صادر شده است.

پس از صدور رأی میکونوس من بیش از پیش نگران جان همسرم هستم. خواهش می‌کنم سرنوشت او را هنگام مذاکرات خود فراموش نکنید. کوتاه آمدن در برابر ایران دردی را دوا نمی‌کند، تنها برخورد قاطع و استوار کشورهای اتحادیه اروپا است که می‌تواند به نویسندگان و روشنفکران ایران کمک کند. روشنفکران ایرانی تنها در صورتی می‌توانند امیدوار باشند که اروپا رعایت حقوق بشر و انسانیت را قربانی منافع اقتصادی خود نکند.

نگذارید همسر من، فرج سرکوهی، با جان خود بهای سیاستهای غلط اروپا در قبال ایران را بپردازد.

باید حکومت ایران را واداشت تا دست از پیکر و سرکوب و قتل ناقدان و مخالفان خود در داخل و خارج ایران بردارد».

دستگیری‌های مکرر فرج سرکوهی طی ماههای اخیر به موضوع بزرگ رسانه‌های جمعی، محافل مهم فرهنگی، سیاسی و نهادهای و سازمانهای بشردوست در ابعاد مهم جهانی تبدیل شد. در این میان نامه فرج سرکوهی (که در فاصله آزادی دوم و دستگیری سوم وی در ۲۷ ژانویه ۹۷ تهیه و بطور مخفیانه به خارج از کشور ارسال شده بود) پرده از شکنجه‌های وحشیانه جمهوری اسلامی طی اسارت‌های پیاپی او برمی‌داشت. در واقع، نامه سرکوهی تنها سند اعلام جرم علیه شیوه‌های هولناک شکنجه و آزار و اذیت مخالفین سیاسی، نویسندگان و روشنفکران لائیک و آزادی‌خواه ایرانی در نظام اسلامی ایران نیست؛ این نوشته در عین حال اعاده حیثیت از همه کسانی است که تاکنون در سیاهچال‌های جمهوری اسلامی و تحت قرون وسطائی‌ترین شکنجه‌ها ناگزیر به "اعتراف"، کتمان باورهای خود و پذیرفتن اتهامات واهی شده‌اند. بی دلیل نبود که "مسئله فرج سرکوهی" در مدتی کوتاه بازتابی وسیع در افکار عمومی جهان یافت و دفاع از آزادی بدون قید و شرط او همزمان به موضوع دفاع از آزادی بیان و اعتراض عمومی علیه نقض حقوق بشر در ایران شد. در کشورهای مهم اروپائی، بسیاری از رسانه‌های گروهی، دولتمردان سیاسی، شعبات مختلف انجمن جهانی قلم، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، شخصیت‌های برجسته جهان قلم و هنر، ضمن اعتراض به نقض آشکار حقوق فردی و آزادی‌های اساسی در ایران، قاطعانه خواستار آزادی بدون قید و شرط فرج سرکوهی شدند.

در فرانسه، اما، اینبار نیز جامعه حقوق بشر فرانسه ابتکار اعتراض علیه نقض حقوق بشر در ایران و دفاع از آزادی بی قید و شرط فرج سرکوهی را بعهده گرفت و به این ترتیب توانست از خلال مجموعه‌ای از اقدامات و تلاش‌های پی در پی بخش قابل توجه‌ای از افکار عمومی فرانسه و خارج از آن را جلب وضعیت اسفبار حقوق بشر در ایران کند. دامنه تاثیر این اقدامات تا آنجا بود که وزارت امور خارجه فرانسه پس از مدت‌ها سکوت، سرانجام از زبان ژان-کلود کوسران مدیر بخش افریقای شمالی و خاورمیانه در این وزارت‌خانه اعلام داشت که "مسئله سرکوهی"، مسئله فرانسه است و در این زمینه نیز دولت متبوع او از اواخر ژانویه ۹۷ به انجام تماس‌ها و تلاش‌های مستقیمی نزد مقامات دولت ایران مبادرت کرده است (لوموند، ۳ آوریل ۹۷).

تلاش‌های جامعه حقوق بشر فرانسه برای آزادی فرج سرکوهی با ارسال نامه‌ای از سوی روبر وردیه رئیس کمیسیون "مسائل بین‌المللی" جامعه حقوق بشر خطاب به هروه دوشارت وزیر امور خارجه فرانسه آغاز شد. در این نامه روبر وردیه ضمن اعتراض به اعمال فشار مقامات امنیتی ایران به فرج سرکوهی و دستگیری‌های مکرر و خودسرانه او توسط سرویس‌های امنیتی ایران خواستار آزادی او شد و در همین ارتباط به وزیر امور خارجه فرانسه یادآور شد که دنبال کردن سیاست "گفتگوی انتقادمیز" با دولت ایران در عین حال شامل اعتراض به موارد نقض حقوق و آزادی‌های فردی در این کشور و در نتیجه طلب آزادی فرج سرکوهی بطور مشخص است.

در ۱۷ مارس ۹۷ جامعه حقوق بشر فرانسه فراخوان دفاع از آزادی فرج سرکوهی را منتشر کرد که تاکنون به امضاء صدها تن از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی، نویسندگان و اساتید دانشگاهها، وکلا و حقوقدانان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان فرانسوی، اعضاء جامعه حقوق بشر فرانسه و... رسیده است. این فراخوان صریحاً خواستار آزادی بلافاصله فرج سرکوهی، خروج داوطلبانه او از ایران و همچنین تأمین آزادی بیان در ایران شد و اعمال فشار و سرکوب جمهوری اسلامی نسبت به نویسندگان و روشنفکران لائیک ایرانی را مورد اعتراض قرار داد. بدنبال انتشار این فراخوان روزنامه لوموند (۱۹ مارس) ضمن اشاره به تلاش‌های اخیر جامعه حقوق بشر فرانسه، مقاله نسبتاً طولانی به موضوع فرج سرکوهی و از خلال آن به موارد دستگیری‌ها، آزار و اذیت، قتل‌های مشکوک نویسندگان ایران در دوره حاضر اختصاص داد. هفته بعد مجله "تله‌راما" مطلب ویژه‌ای درباره وضعیت اسفبار فرج سرکوهی، اسارت و شکنجه او و سرکوب آزادی‌های اساسی در ایران منتشر کرد و طی آن یادآور شد که جامعه حقوق بشر فرانسه فهرست امضاءکنندگان فراخوان خود را تا آزادی فرج سرکوهی همچنان گشوده نگه می‌دارد. همین امر باعث شد که تعداد قابل توجهی از خوانندگان این مجله با ارسال نامه، پشتیبانی خود را از فرج سرکوهی و تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی در ایران اعلام کنند. (خبرنامه، ویژه فرج سرکوهی، فروردین ۷۵)

به موازات این اقدامات، جامعه دفاع از حقوق بشر فرانسه، فدراسیون جهانی حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران تصمیم گرفتند که کنفرانس مطبوعاتی در تاریخ ۲۷ مارس ۹۷، در ساختمان مرکزی فدراسیون جهانی حقوق بشر در پاریس برگزار کنند. به همین منظور از خانم فریده سرکوهی نیز برای شرکت در این کنفرانس دعوت بعمل آمد. برگزاری این کنفرانس مصادف با کنگره جهانی نویسندگان در شهر استراسبورگ و نیز چند روز پیش از پنجاه و سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در شهر ژنو بود که طی آن کمیسیون مزبور می‌بایست در عین حال به بررسی گزارش آقای کاپیتورن در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می‌پرداخت. کنفرانس مطبوعاتی مزبور به ریاست روبر وردیه (رئیس کمیسیون "مسائل بین‌المللی" جامعه حقوق بشر فرانسه) برگزار شد و در آن